



## ۲۰ حکمت از نهج البلاغه برای سنین پایین ۱۸

۱. حکمت ۲۱: الْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ فَاَنْتَهَزُوا فُرْصَ الْخَيْرِ.

فرصت‌ها مانند ابر در حال رفتن است، پس فرصت‌های خوب را غنیمت بشمارید.

۲. حکمت ۳۸: لِابْنِهِ الْحَسَنِ [عليه السلام]: يَا بَنِيَّ! اِيَّاكَ وَ مَصَادِقَةَ الْاَحْمَقِ، فَاِنَّهُ يُرِيدُ اَنْ يَنْفَعَكَ فَيَضُرُّكَ؛ وَ

اِيَّاكَ وَ مَصَادِقَةَ الْبَخِيلِ، فَاِنَّهُ يَفْعُدُّ عَنْكَ اُحْوَجَ مَا تَكُونُ اِلَيْهِ؛ وَ اِيَّاكَ وَ مَصَادِقَةَ الْفَاجِرِ، فَاِنَّهُ يَبِيْعُكَ

بِالْتَّافِهِ؛ وَ اِيَّاكَ وَ مَصَادِقَةَ الْكُذَّابِ، فَاِنَّهُ كَالسَّرَابِ يُقَرِّبُ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ وَ يَبْعَدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ.

به فرزندش امام حسن (ع) فرمود: فرزندم! از دوستی با انسان احمق بپرهیز، زیرا وقتی بخواهد به تو منفعت برساند، زیان می‌رساند. از دوستی با انسان خسیس برحذر باش، زیرا در سخت‌ترین زمان که به او احتیاج داری، رهایت می‌کند. از دوستی با انسان تبهکار و فاسق نیز بپرهیز زیرا تو را به اندک چیزی می‌فروشد. از دوستی با دروغگو بپرهیز زیرا چنین کسی مانند سراب است، دور را در نظر تو نزدیک، و نزدیک را دور نشان می‌دهد.

۳. حکمت ۴۶: سَيِّئَةٌ تَسُوُّكَ خَيْرٌ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ حَسَنَةٍ تُعْجِبُكَ.

کار بدی که تو را ناراحت و پشیمان کند، نزد خدا بهتر از کار نیکی است که تو را مغرور نماید.

۴. حکمت ۵۷: الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ.

قناعت، ثروتی است که تمام نمی‌شود.

۵. حکمت ۵۴: لَا غِنَى كَالْعَقْلِ، وَ لَا فَقْرَ كَالْجَهْلِ، وَ لَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ، وَ لَا ظَهِيرَ كَالْمُشَاوَرَةِ.

هیچ ثروتی مانند عقل نیست؛ و هیچ فقری مانند جهل نیست. هیچ ارثیه‌ای [برای انسان] بهتر از ادب نیست؛ و هیچ یاری‌کننده‌ای مانند مشورت نیست.

۶. حکمت ۷۱: إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ.

هنگامی عقل انسان کامل می‌شود، که کمتر سخن بگوید.

۷. حکمت ۸۱: قِيَمَةُ كُلِّ امْرِيٍّ مَا يُحْسِنُهُ.

ارزش هر کس به اندازه کار خوبی است که انجام دهد.



۸. حکمت ۸۲: لَا يَسْتَحِينُ أَحَدٌ مِنْكُمْ إِذَا سُئِلَ عَمَّا لَا يَعْلَمُ، أَنْ يَقُولَ لَا أَعْلَمُ.  
اگر از شما چیزی پرسیدند که نمی‌دانید، از گفتن: «نمی‌دانم!» خجالت نکشید.

۹. حکمت ۹۸: اعقلوا الخبر إذا سمعتموه عقل رعاية لا عقل رواية، فإن رواة العلم كثير، و رعاته قليل.  
هرگاه خبری را شنیدید، درباره آن تفکر و عمل کنید، نه فقط تفکر و سپس بازگو کنید، زیرا راویان علم بسیارند و عمل کنندگان به آن کم!

۱۰. حکمت ۱۱۸: إضاعة الفرصة غصة.  
از دست دادن فرصت‌ها باعث غصه (و پشیمانی) است.

۱۱. حکمت ۱۳۶: الصلاة قربان كل تقى.  
نماز موجب تقرب (و نزدیکی) هر پرهیزکاری به خداست.

۱۱. حکمت ۱۴۷: يا كميل! العلم خير من المال. العلم يحرسك و أنت تحرس المال، و المال تنقصه النفقة، و العلم يزكو على الإنفاق و صنع المال يزول بزواله...  
ای کمیل! علم از مال بهتر است. زیرا علم تو را محافظت می‌کند ولی مال تو باید حفظ کنی. مال با خرج کردن کم می‌شود، ولی علم هر چه انفاق شود، بیشتر می‌گردد و آنچه با مال به دست آید [مثل پست و مقام و نام نیک و ...] با از بین رفتن مال، نابود می‌شود...

۱۳. حکمت ۱۴۸: المرء مخبوء تحت لسانه.  
[شخصیت] انسان زیر زبانش پنهان است.

۱۴. حکمت ۱۷۵: إذا هبت أمراً فقع فيه، فإن شدة توقيه أعظم مما تخاف منه.  
هرگاه از کاری می‌ترسی، خود را در آن بیفکن! زیرا گاهی ترس از انجام آن کار، از خود آن سخت‌تر است!

۱۵. حکمت ۲۰۵: كل وعاء يضيئ بما جعل فيه، إلا وعاء العلم فإنه يتسع به.  
هر ظرفی با ریختن چیزی در آن پر می‌شود، جز ظرف علم که هر چه دانش در آن ریزند، وسعتش بیشتر شود.



۱۶. حکمت ۲۱۸: حَسَدُ الصَّدِيقِ مِنْ سُمْمِ الْمَوَدَّةِ.

حسادت نسبت به دوست، نشانه [ایجاد] شکاف در دوستی است.

۱۷. حکمت ۲۲۴: بِالنَّصْفَةِ يَكْتَرُ الْمُوَاصِلُونَ، وَ بِالْإِفْضَالِ تَعْظُمُ الْأُقْدَارُ.

انصاف داشتن موجب می شود دوستان انسان زیاد شوند، و با بذل و بخشش، قدر و منزلت انسان بالا می رود.

۱۸. حکمت ۲۹۳: لَا تَصْحَبِ الْمَائِقَ، فَإِنَّهُ يُزَيِّنُ لَكَ فِعْلَهُ، وَيَوَدُّ أَنْ تَكُونَ مِثْلَهُ.

با انسان احمق دوستی مکن! زیرا کارهای احمقانه اش را برایت [زیبا] جلوه می دهد و دوست دارد تو هم مثل او باشی.

۱۹. حکمت ۴۲۲: افْعَلُوا الْخَيْرَ وَ لَا تَحْقِرُوا مِنْهُ شَيْئًا

کار خوب را انجام دهید (حتی اگر کار کوچکی بود) و آن را کم و کوچک ندانید.

۲۰. حکمت ۴۷۷: أَشَدُّ الذُّنُوبِ مَا اسْتَخَفَّ بِهَا صَاحِبُهُ.

بزرگترین گناه، آن گناهی است که انسان آن را کوچک بشمارد.

۲۱. برای شرکت در مسابقه حکمت های علوی تا تاریخ ۱۳۹۸/۰۱/۳۰ فرصت دارید به آدرس

<https://nahj-ol-bal-aghe.farhangsara.ir/> فرهنگسرای نهج البلاغه مراجعه و به ۱۰ سوال بر مبنای ۲۰

حکمت منتخب جواب مناسب دهید.



## ۳۰ حکمت از نهج البلاغه برای سنین بالای ۱۸ سال

۱. حکمت ۸: **اعْجَبُوا لِهَذَا الْإِنْسَانِ يَنْظُرُ بِشَحْمٍ وَ يَتَكَلَّمُ بِالْحَمِّ وَ يَسْمَعُ بِعَظْمٍ وَ يَتَنَفَّسُ مِنْ خَرْمٍ.**  
 از [آفرینش] این انسان در شگفت باشید که با یک تکه پیه<sup>۱</sup> نگاه می کند، با تکه گوشتی<sup>۲</sup> سخن می گوید و با تکه استخوانی می شنود<sup>۳</sup> و از شکافی<sup>۴</sup> تنفس می کند.  
<sup>۱</sup> پیه به تکه چربی می گویند که منظور امام(ع) چشم است.  
<sup>۲</sup> اشاره به استخوان های داخل گوش میانی.  
<sup>۳</sup> منظور زبان است.  
<sup>۴</sup> منظور امام(ع) شکاف بینی است.
۲. حکمت ۱۰: **خَالَطُوا النَّاسَ مُخَالَطَةً إِنْ مِثْمَ مَعَهَا بَكُوا عَلَيْكُمْ وَ إِنْ عَشْتُمْ حُنُوا إِلَيْكُمْ.**  
 با مردم آنگونه معاشرت کنید که اگر از دنیا رفتید، بر شما اشک ریزند و گریه کنند و اگر زنده بودید با شوق و اشتیاق به سوی شما آیند.
۳. حکمت ۱۱: **إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ.**  
 هنگامی که بر دشمنت چیره شدی به شکرانه این پیروزی او را عفو کن.
۴. حکمت ۱۲: **أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الْإِخْوَانِ وَ أَعْجَزُ مِنْهُ مَنْ ضَيَّعَ مِنْ ظَفَرٍ بِهِ مِنْهُمْ.**  
 ناتوان ترین مردم کسی است که در یافتن دوست ناتوان باشد و از او عاجز تر کسی است که دوستی را که یافته، از دست بدهد.
۵. حکمت ۱۳: **إِذَا وَصَلَتْ إِلَيْكُمْ أَطْرَافُ النِّعَمِ فَلَا تُنْفَرُوا أَفْصَاهَا بِقَلْبِهِ الشُّكْرِ.**  
 هنگامی که مقدمات نعمت ها به شما رسید، ادامه آن [نعمت ها] را به خاطر کم سپاسی از خود دور نکنید.
۶. حکمت ۲۵: **يَا ابْنَ آدَمَ! إِذَا رَأَيْتَ رَبَّكَ سَبَّحَانَهُ يُتَابِعُ عَلَيْكَ نِعْمَهُ وَ أَنْتَ تَعْصِيهِ فَاحْذَرَهُ.**  
 ای فرزند آدم! هر وقت دیدی پروردگارت، پی در پی به تو نعمت می رساند، در حالی که تو معصیت او را می کنی، پس [از کیفر او] بترس\*  
 \* یعنی مراقب چون در این صورت مجازات سنگینی در انتظار توست.
۷. حکمت ۶۶: **فَوْتُ الْحَاجَةِ أَهْوَنُ مِنْ طَلِبِهَا إِلَى غَيْرِ أَهْلِهَا.**  
 از دست رفتن حاجت بهتر از آن است که آن را از [شخص] نااهل درخواست کنی.
۸. حکمت ۷۰: **لَا تَرَى الْجَاهِلَ إِلَّا مُفْرَطًا أَوْ مُفْرَطًا.**  
 انسان نادان یا در حال افراط است و یا تفریط.



۹. حکمت ۷۳: مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا، فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ، وَلْيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ، وَ مَعْلَمٌ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مَعْلَمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ.

کسی که خود را پیشوای مردم قرار می‌دهد، باید قبل از تعلیم دیگران، به تعلیم خویش بپردازد؛ و پیش از آنکه بخواهد با زبانش مردم را تربیت کند، باید با عملش آنان را تربیت نماید.\*\* کسی که معلم و ادب کننده خود باشد، لایق احترام و تکریم بیشتر، از کسی است که معلم و مربی مردم است.

\*\* یعنی باید دستورات دین را در عمل به مردم نشان دهد و قبل از آنها، خودش به آن عمل کند.

۱۰. حکمت ۸۹: مَنْ أَصْلَحَ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ أَصْلَحَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّاسِ؛ وَ مَنْ أَصْلَحَ أَمْرَ آخِرَتِهِ، أَصْلَحَ اللَّهُ لَهُ أَمْرَ دُنْيَاهُ؛ وَ مَنْ كَانَ لَهُ مِنْ نَفْسِهِ وَاعِظٌ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ حَافِظٌ.

کسی که رابطه میان خود و خدا را اصلاح کند، خدا نیز رابطه او و مردم را اصلاح خواهد کرد؛ و کسی که کار آخرتش را اصلاح کند، خدا کار دنیایش را اصلاح خواهد کرد؛ و کسی که از درون وجودش، پنددهنده‌ای داشته باشد، خداوند حافظ و نگاهبانی برای او قرار خواهد داد.

۱۱. حکمت ۱۱۹: مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ الْحَيَّةِ لَيِّنٌ مَسْهًا، وَ السَّمُّ النَّاقِعُ فِي جَوْفِهَا، يَهْوِي إِلَيْهَا الْغَرُّ الْجَاهِلُ وَ يَحْذَرُهَا ذُو اللَّبِّ الْعَاقِلُ.

دنیا مانند ماری است که پوستی نرم، ولی سمی کشنده دارد. انسان نادان فریب خورده به آن علاقه پیدا می‌کند، ولی انسان هوشمند عاقل از آن پرهیز می‌کند.

۱۲. حکمت ۱۲۳: طُوبَى لِمَنْ ذَلَّ فِي نَفْسِهِ، وَ طَابَ كَسْبُهُ، وَ صَلَحَتْ سَرِيرَتُهُ، وَ حَسُنَتْ خَلِيقَتُهُ، وَ أَنْفَقَ الْفَضْلَ مِنْ مَالِهِ، وَ أَمْسَكَ الْفَضْلَ مِنْ لِسَانِهِ، وَ عَزَلَ عَنِ النَّاسِ شَرَّهُ، وَ وَسِعَتْهُ السُّنَّةُ وَ لَمْ يُنْسَبْ إِلَى الْبِدْعَةِ.

خوشا به حال کسی که خود کوچک می‌شمارد (ولی در نظر مردم بزرگ است)، و کسب و کارش پاک و حلال، و باطن او صالح و شایسته، و اخلاقش نیکو است. اضافه مال خود را در راه خدا انفاق کرده و به مردم آزار نمی‌رساند. سنت پیامبر(ص) برای او کافی است و (به همین دلیل) بدعتی در دین نمی‌گذارد.

۱۳. حکمت ۱۳۴: لَا يَكُونُ الصَّدِيقُ صَدِيقًا حَتَّى يَحْفَظَ أَخَاهُ فِي ثَلَاثٍ: فِي نَكْبَتِهِ، وَ غَيْبَتِهِ، وَ وَفَاتِهِ.

دوست انسان، دوست او نخواهد بود مگر اینکه برادرش را در سه جا از یاد نبرد: وقتی که دنیا به او پشت کرده، وقتی که حضور ندارد، و پس از مرگش.

۱- برادر در اینجا به مفهوم دوست است.

۱۴. حکمت ۱۴۶: سُوَسُوا إِيمَانَكُمْ بِالصَّدَقَةِ وَ حَصَّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ وَ ادْفَعُوا أَمْوَاجَ الْبَلَاءِ بِالذُّعَاءِ.

ایمانتان را با صدقه حفظ کنید و امواتان را با زکات نگهدارید و امواج بلاء را با دعا دور نمایید.



۱۵. حکمت ۱۹۲: يَا بَنَ آدَمَ! مَا كَسَبْتَ فَوْقَ قُوَّتِكَ، فَأَنْتَ فِيهِ خَازِنٌ لِّغَيْرِكَ.

ای فرزند آدم! آنچه بیش از مقدار خوراک و قوت روزانهات بدست آوری، خزانه دار آن برای دیگران خواهی بود.

۱۶. حکمت ۲۰۳: أَيُّهَا النَّاسُ! اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِنَّ قُلْتُمْ سَمِعَ، وَإِنْ أَضْمَرْتُمْ عَلِمَ؛ وَ بَادِرُوا الْمَوْتَ الَّذِي إِنَّ هَرَبْتُمْ مِنْهُ أَدْرَكَكُمْ، وَإِنْ أَقَمْتُمْ أَخَذَكُمْ، وَإِنْ نَسِيتُمْوهُ ذَكَرَكُمْ.

ای مردم! بترسید از خدائی که اگر سخنی بگوئید، می شنود؛ اگر چیزی را پنهان کنید، می داند؛ و برای مرگی آماده باشید که اگر از آن فرار کنید، به شما می رسد؛ و اگر برجای خود بمانید، شما را می گیرد؛ و اگر فراموشش کنید، شما را از یاد نمی برد.

۱۷. حکمت ۲۰۸: مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ رِيحًا، وَ مَنْ غَفَلَ عَنْهَا خَسِرًا، وَ مَنْ خَافَ أَمِنَ، وَ مَنْ اِعْتَبَرَ أَبْصَرَ، وَ مَنْ أَبْصَرَ فَهِمَ، وَ مَنْ فَهِمَ عَلِمَ.

کسی که به حساب خودش برسد، سود می برد؛ و کسی که از خود غفلت کند، زیان می بیند؛ کسی که (از خدا) بترسد، ایمن می شود؛ و کسی که عبرت گیرد، بینا می شود؛ و کسی که بینا شد، می فهمد؛ و کسی که بفهمد، دانا می شود.

۱۸. حکمت ۲۲۰: لَيْسَ مِنَ الْعَدْلِ الْقَضَاءُ عَلَى الثَّقَةِ بِالظَّنِّ.

داوری کردن درباره افراد، [تنها] با تکیه بر حدس و گمان از عدالت به دور است.

۱۹. حکمت ۲۲۴: بِكَثْرَةِ الصَّمْتِ تَكُونُ الْهَيْبَةُ؛ وَ بِالنَّصْفَةِ يَكْتُرُ الْمُوَأْصِلُونَ وَ بِالْإِفْضَالِ تَعْظُمُ الْأَقْدَارُ، وَ بِالْتَّوَاضُعِ تَتِمُّ النَّعْمَةُ...

سکوت فراوان، وقار و ابهت می آورد؛ و انصاف موجب می شود دوستان انسان زیاد شوند؛ و با بذل و بخشش، منزلت انسان بالا می رود؛ و با فروتنی، نعمت کامل می شود...

۲۰. حکمت ۲۲۶: الطَّامِعُ فِي وَثَاقِ الدُّلِّ.

انسان طمع کار، همیشه گرفتار ذلت است. (انسان طمع کار همیشه ذلیل است)

۲۱. حکمت ۲۲۷: وَ سِئَلِ عَنِ الْإِيْمَانِ فَقَالَ: الْإِيْمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ وَ إِفْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ.

از امام علیه السلام درباره تفسیر ایمان سوال شد. پس فرمود: ایمان شناخت قلبی (خدا)، و اقرار با زبان و عمل با اعضا و جوارح است.

۲۲. حکمت ۳۳۰: أَقَلُّ مَا يُلْزَمُكُمْ لِلَّهِ أَلَّا تَسْتَعِينُوا بِنِعْمِهِ عَلَى مَعَاصِيهِ.

کمترین حقی که برای خدا رعایتش لازم است اینکه با استفاده از نعمتهایش، او را نافرمانی نکنید.



۲۲. حکمت ۲۳۷: **إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً، فَتِلْكَ عِبَادَةُ التَّجَارِ؛ وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً، فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ؛ وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا، فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ**

گروهی خدا را از روی میل و رغبت (به بهشت) عبادت می‌کنند، این عبادت تاجران است؛ و گروهی خدا را از روی ترس (از جهنم) می‌پرستند، پس این عبادت بردگان است؛ و گروهی خدا را برای شکر نعمت‌هایش می‌پرستند، پس این عبادت آزادگان است.

۲۴. حکمت ۲۵۴: **يَا ابْنَ آدَمَ! كُنْ وَصِيَّ نَفْسِكَ فِي مَالِكَ، وَاعْمَلْ فِيهِ مَا تُؤْتِرُ أَنْ يَعْمَلَ فِيهِ مِنْ بَعْدِكَ.**

ای فرزند آدم! تو خود وصی خویش در اموال و ثروت باش! امروز طوری به آن عمل کن که می‌خواهی بعد از تو (طبق وصیت) عمل کنند.

۲۵. حکمت ۳۰۴: **إِنَّ الْمَسْكِينِ رَسُولُ اللَّهِ، فَمَنْ مَنَعَهُ فَقَدْ مَنَعَ اللَّهَ، وَمَنْ أَعْطَاهُ فَقَدْ أَعْطَى اللَّهَ.**

انسان مستمند، فرستاده خدا است. کسی که از کمک به او دریغ دارد از خدا دریغ داشته و کسی که به او عطا و بخشش کند به خدا عطا کرده است.

۲۶. حکمت ۳۱۲: **إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالًَا وَإِدْبَارًا، فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَأَحْمَلُوهَا عَلَى النَّوَافِلِ، وَإِذَا أَدْبَرَتْ فَاقْتَصِرُوا بِهَا عَلَى الْفَرَائِضِ.**

دل‌های انسانها گاهی پرنشاطند و گاه بی نشاط. آنگاه که پرنشاطند آنها را به انجام مستحبات نیز وادار کنید و آنگاه که بی نشاطند تنها به انجام فرائض و واجبات قناعت جوئید.

۲۷. حکمت ۳۵۳: **أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعْيِبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ.**

بزرگترین عیب آن است که آنچه خود دارای آن هستی بر دیگران عیب بشماری.

۲۸. حکمت ۳۷۸: **الْبُخْلُ جَامِعٌ لِمَسَاوِي الْعُيُوبِ وَهُوَ زِمَامٌ يُقَادُ بِهِ إِلَى كُلِّ سُوءٍ.**

بخل جمع تمام عیبها است، و گویا مثل افساری است که انسان را به سوی هر بدی می‌کشاند.

۲۹. حکمت ۳۸۰: **رُبَّ مُسْتَعْبِلٍ يَوْمًا لَيْسَ بِمُسْتَدْبِرِهِ، وَ مَغْبُوطٍ فِي أَوَّلِ لَيْلِهِ قَامَتْ بِوَأَكِيهِ فِي آخِرِهِ.**

بسیار بودند کسانی که در آغاز روز زنده بودند اما روز را به پایان نبردند و چه بسیار کسانی که در آغاز شب زندگیشان مورد غبطه مردم بود اما پایان همان شب عزاداران به سوکشان نشسته بودند.

۳۰. حکمت ۴۶۱: **الْغَيْبَةُ جُهْدُ الْعَاجِزِ.**

غیبت کردن، کار و تلاش انسان‌های عاجز و ناتوان است

برای شرکت در مسابقه حکمت های علوی تا تاریخ ۱۳۹۸/۰۱/۳۰ فرصت دارید به آدرس

<https://nahj.ol.bal.aghe.farhangsara.ir> فرهنگسرای نهج البلاغه مراجعه و به ۱۵ سوال بر مبنای

۳۰ حکمت منتخب جواب مناسب دهید.